

نقد و بررسی نقش سیاق در روش تفسیری سید قطب

کرم سیاوشی

مفهوم سیاق

سیاق کلام که از آن به عنوان «اسلوب سخن»، «طرز جمله بندی عبارات به سبب چینش و نظم خاص کلمات»¹ و یا «روند کلی کلام» یاد می شود، مورد توجه علماء و متخصصان علوم تفسیر، فقه و اصول قرار دارد؛ چنانکه به شرح و تعریف آن پرداخته‌اند. آیه الله محمد باقر صدر «ره» سیاق را عبارت از هر گونه دلیلی می داند که به الفاظ و عبارات مورد بحث پیوند خورده باشد؛ خواه این دلایل از مقوله الفاظ باشد مانند: کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر، یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می دهند، و خواه قرنیه حالی باشد مانند: اوضاع و احوال و شرایط و مناسباتی که سخن در آن طرح شده و در موضوع و مفاد لفظ و عبارت مورد بحث، به نوعی روشنگر و موثرند.² برخی سیاق را تنها یکی از قرائن پیوسته لفظی می دانند و تعریف فوق را به سبب در برگرفتن همه قرینه های پیوسته لفظی نمی پذیرند؛ لذا در تعریف سیاق معتقدند: سیاق نوعی ویژگی لفظ، عبارت و یا یک سخن است که در اثر همراه بودن با کلمات و عبارات دیگر شکل می گیرد.³ بر اساس این تعریف، در رابطه با قرآن «سیاق آیات» عبارت است از: وجه ارتباط و تناسب آیات با یکدیگر، و توجه به سیاق به معنای دقت و درنگریستن مفسر در آیات قبل و بعد از آیه مورد نظر و در نگریستن در آهنگ کلی آیات است.⁴

دیدگاه‌ها درباره نقش سیاق در تفسیر قرآن

استدلال به سیاق کلام در جهت فهم مقصود متکلم از روش های مرسوم و مقبول در نزد عقلاست که در زندگی عادی و عرفی بشر کاملاً رعایت می شود؛ بنابراین بسیار طبیعی است که از این شیوه جهت فهم مقصود حقیقی و کامل آیات قرآن نیز استفاده شود.⁵ زرکشی دلالت سیاق را موجب روشن شدن نکات مجمل کلام و اطمینان یافتن از عدم وجود احتمال خلاف و تخصیص یافتن عام و مقید بودن مطلق و تنوع دلالت می داند. وی سیاق را از بزرگترین قرائنی برمی شمرد که بر مراد متکلم دلالت می کند و معتقد است: آنکه به این مهم، بی اعتنا باشد به اشتباه و انحراف می افتد. او برای تصدیق سخن خود آیه 49 از سوره دخان: «ذُق اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» را مثال می زند که سیاق آن [در اثر همراهی با آیات قبل و بعد از آن⁶ و بر خلاف معنای ظاهری خود آیه به تنهایی] به وضوح دلالت بر حقارت و زبونی مخاطب دارد.⁷

مؤلف المیزان تصریح می‌کند که سیاق اُستوارترین و گویا ترین دلیل برای بیان معنا و فهم [صحیح [مراد] متکلم] است؛ لذا در تفسیر المیزان این امر به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته و نقش آن در بسیاری از استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌های مفسرین آن به وضوح نمایان است. 8

از آنجا که بهره‌مندی از سیاق مستلزم نگرش عقلی به آیات قرآن است معتزله نیز - که به نگرش عقلی در تفسیر قرآن مشهورند - اصل سیاق را در تفسیر آیات مورد توجه قرار داده و به ویژه در آیاتی که ظاهر آنها دلالت بر «جبر» دارد با در نگرستن به سیاق، معنای «جبر» را از این گونه آیات زدوده‌اند. این در حالی است که «جبریون» با جدا کردن آیات از سیاق آنها، به «جبر» رسیده‌اند! 9

بدین سان نقش سیاق و ایجاد تناسب و ارتباط میان پاره‌ها و بخش‌های مختلف آیات، در فهم گستره مفاهیم آنها و تعیین و تحدید اهداف و موضوعات قرآن، اساسی و راهگشاست 10 همچنان که موجب کشف بسیاری از مفاهیم و معانی جدید می‌گردد و پاسخ‌گوی اهداف نزول قرآن نیز خواهد بود؛ در حالی که بدون ملاحظه سیاق و بدون ارتباط برقرار کردن میان بخش‌های مختلف آیات، وضعیت قرار گرفتن بسیاری از بخش‌های آیات قرآن به صورت کنونی، با اهداف نزول آن ناسازگار خواهد بود. 11

جایگاه سیاق در «فی ظلال القرآن»

با توجه به آنچه گفته شد، هیچ مفسری در فهم درست معنا و مقصود آیات قرآن از توجه و دقت در سیاق بی‌نیاز نیست؛ لذا سید قطب نیز در «فی ظلال القرآن» نقش مهم و تعیین‌کننده آن را در رهیافت به مدلول آیات از نظر دور نداشته؛ بلکه با الهام گرفتن از سیاق در موارد متعددی ابهام‌ها را رفع می‌کند، پرده‌های تردید را کنار می‌زند و مفاهیم و مصادیق صحیح را می‌نمایاند. 12

موارد استفاده از سیاق در «فی ظلال القرآن»

1- تبیین وحدت موضوعی سوره‌ها

یکی از بارزترین و عمده‌ترین بسترهای مناسب جهت بهره‌مندی مفسر فی ظلال از سیاق، در ارائه نظریه «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» از سوی او تجلی یافته است. از آنجاکه بررسی سیاق و استناد به آن یکی از رایج‌ترین و مطمئن‌ترین روش‌های کشف موضوع یا موضوعات اساسی هر سوره است، سید قطب نیز برای کشف این رمز ارتباطی و دست‌یابی به این عامل پیوندبخش در میان آیات و پاره‌های مختلف سوره، پیش از تفسیر هر سوره چندین بار آن سوره را با دقت و تأمل بسیار قرائت، مطالعه و بررسی نموده تا به خصوصیات مشترک و عوامل پیوند دهنده و انسجام بخش آیات آن سوره دست‌یابد و خطوط جامع و مشترک لفظی و معنوی موجود

در میان مباحث و موضوعات فرعی آن را بیابد و با ارایه فهرست‌ها و مجموعه‌هایی از این خطوط و عوامل پیوند دهنده، موضوع یا محور موضوعات آن سوره را ترسیم کند.

به عنوان مثال سید قطب موضوع اصلی و جهت‌گیری اساسی سوره «آل عمران» را براساس سیاق این سوره در سه خط عریض ترسیم می‌کند.

از نظر وی اولین خط موضوعی این سوره در صدد تبیین مفهوم «دین» و معنای «اسلام» است. سید قطب پس از توضیح مفهوم حقیقی دو واژه «دین» و «اسلام» درباره چگونگی اشاره به این خط موضوعی در سوره آل عمران، معتقد است سیاق سوره در بیش از سی موضوع به صورتی واضح و چشمگیر به این خط می‌پردازد و آن را تبیین می‌کند. وی سپس مجموعه آیاتی را که در سراسر سوره آل عمران به این خط موضوعی اشاره دارند ارایه می‌دهد. 13

وی دومین خط موضوعی سوره را که سیاق سوره بر آن متمرکز شده، تصویر حالت مسلمانان با پروردگار به هنگام تسلیم شدن در برابر [فرامین] او، و به هنگام دریافت و پذیرش خاضعانه دستورات او می‌داند. آنگاه آیات متعددی را که در این سوره، به این معنا اشاره دارند ارایه می‌دهد. 14

سرانجام سومین خط عریض سوره آل عمران که از دیدگاه سید قطب سیاق آیات این سوره بر آن دلالت دارد، عبارت است از: هشدار به مسلمانان برای پرهیز از پذیرش ولایت غیرمؤمنان! زیرا با پذیرش ولایت کافران - در حالی که به کتاب خدا و احکام آن گردن نمی‌نهند و از آیین او در زندگی پیروی نمی‌نمایند - دیگر برای چنین مسلمانانی ایمانی باقی نخواهد ماند و ارتباط آنها با خداوند منقطع خواهد شد. سید قطب همه نصوصی را که در سوره آل عمران برای تبیین این موضوع آمده است، فهرست می‌کند و در پایان گوشزد می‌نماید که سیاق هر یک از این نصوص در موضع خویش در سوره، از سرزندگی و الهام بخشی عمیق تری برخوردار است و مشتمل بر خصوصیات چو: زنده بودن، قوی بودن، گیرایی و زیبایی است. 15

همچنین مفسر فی ظلال در تفسیر سوره «ذاریات»، که مباحث و موضوعات به ظاهر پراکنده و بی ارتباطی در آن مطرح است، با اشاره به سیاق آیات این سوره و جهت‌گیری این سیاق، محور موضوعات و مباحث متعدد آن را «رها نمودن قلب انسان از موانع زمینی و از بند رزق و روزی و از هر بندی که مانع تجرد وی برای عبادت خداوند و برای حرکت و توجه به سوی خداوند می‌شود» می‌داند. وی سپس چگونگی حرکت سیاق آیات را در تبیین این موضوع اصلی به طرز

هوشمندانه و دلپذیر ارایه می‌دهد. 16

سید قطب با تکیه بر سیاق آیات سوره « کهف » محور موضوعات متنوع و گونه گون آن را « تصحیح عقیده و تصحیح ارزش ها بر مبنای عقیده » معرفی می کند و معتقد است سیاق سوره در چند مرحله متوالی پیرامون این موضوع اصلی حرکت می کند:

در مرحله نخست، سوره کهف با ستایش از خداوند که کتاب قرآن را برای بشارت به مؤمنان و هشدار به مشرکان نازل فرموده، آغاز می شود؛ سپس با این تذکر که زیور و زینت های روی زمین برای امتحان و آزمایش بوده، و سرانجام به زوال و نابودی رو خواهند نهاد، ادامه می یابد. به دنبال آن قصه اصحاب کهف ارایه می شود که مثالی است برای ترجیح زندگی ایمانی بر زندگی باطل و زینت های آن و پناه بردن به خداوند (در غار) برای در امان نگه داشتن عقیده خود از گزند و آسیب باطل.

مرحله دوم، با رهنمود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به صبر و به همراهی با مؤمنانی که صبح و شب برای رضایت خداوند با او نجوی می کنند و با رهنمود وی به کناره گیری از غافلان از یاد خداوند، آغاز می گردد. سپس قصه صاحب دو باغ ارایه می گردد که ترسیم کننده اعتزاز قلب مؤمن به هنگام اتصال به خداوند و حقیر شمردن معیارهای زمینی است. این مرحله با تقریر ارزش ها و معیارهای حقیقی و ماندگار به پایان می رسد.

مرحله سوم در برگیرنده چند صحنه متصل به هم از صحنه های قیامت است که قصه آدم علیه السلام و ابلیس نیز در میان آنها واقع شده است. این قصه حامل هشدار به مشرکان و اشاره به بطلان اعتقاد آنان در تبعیت از ابلیس است که این هدف را مشتمل بر استدلالی متین ارایه نموده است. همچنین این قصه با صحنه پس از آن که بر طبق آن خداوند در قیامت مشرکان را ندا می دهد تا شرکای ادعایی را فرا خوانند؛ لکن آن شرکاء به فراخوان مشرکان لبیک نمی گویند، متناسب است. این مرحله با بیان سنت خداوند در نابود کردن ظالمان و رحمت و فرصت او به گناه کاران تا سرآمدی مشخص، به پایان می رسد.

مرحله چهارم مشتمل بر قصه حضرت موسی علیه السلام با بنده صالح [خضر علیه السلام] است و مرحله پنجم مشتمل بر قصه «ذی القرنین» است که این هر دو قصه نیز به عنوان دو مصداق و الگو جهت تصحیح معیارها و ارزش ها به کار گرفته شده اند. سرانجام، این سوره بسان آغاز آن، با بشارت به مؤمنان و هشدار به کافران و اثبات وحی و تنزیه خداوند از شرک به پایان می رسد.¹⁷

بدین سان آنچه موجب شده مفسر فی ظلال به وحدت بیشتر سیاق و انسجام و تناسب موضوعات متنوع در یک سوره دست یابد، آنست که در نگاه وی، سیاق - عموماً - هر موضوعی را از جوانب گوناگون و در مجال های مختلف واری و پی جویی می کند.¹⁸ در نتیجه بسیاری از مباحث مطروحه در هر سوره در حکم تعقیب بر موضوع اصلی آن سوره و در قالب تکرار یا تأکید آن

موضوع از زوایا و ابعاد مختلف و با شیوه‌های بیانی متنوع به شمار می‌آیند، نه برای طرح موضوعات گوناگون و پراکنده!

به عنوان مثال، سید قطب درباره سوره «مؤمنون» و موضوع اصلی آن معتقد است این سوره، سوره مؤمنین است چنانکه اسم آن نیز بر این مطلب دلالت دارد و بیانگر این موضوع است. این سوره با برشمردن صفات مؤمنان آغاز می‌شود؛ آنگاه سیاق در بحثی گذرا 19 به ارایه و بررسی دلایل و نشانه‌های ایمان در آفاق و انفس می‌پردازد. سپس «حقیقت ایمان» را همان‌گونه که همه پیامبران از زمان نوح علیه السلام تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عرضه نموده‌اند، مطرح می‌کند و در ادامه به شبهات تکذیب‌کنندگان این حقیقت و اعتراضات آنها نسبت به آن و مقاومت آنها در برابر آن می‌پردازد و به سرانجام پیروزمندانه پیامبران و هلاکت و تباهی تکذیب‌کنندگان و نجات مؤمنان اشاره می‌رود؛ در ادامه در بحث گذرای دیگری به اختلاف و تفرقه مردم در مورد این «حقیقت یگانه» پس از پیامبران اشاره می‌رود و در همین راستا موضع‌گیری مشرکان قریش در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را یاد آور می‌شود و موضع آنها را شگفت‌انگیز و بی‌دلیل معرفی می‌کند! سرانجام این سوره با صحنه‌ای از صحنه‌های قیامت که طی آن عاقبت مشرکان و تکذیب‌کنندگان به تصویر کشیده شده، پایان می‌یابد و بدین شکل موضوع و محور اصیل این سوره با همه مباحث و استدلال‌ها و ویژگی‌های متنوعش، توصیف مؤمنین یا مسأله ایمان است. 20

بر این اساس، به روشنی نمایان است که عمده‌ترین ابزار سید قطب در تبیین نظریه «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» و ارایه جزئیات آن، سیاق آیات و عبارات هر سوره است و او در پرتو دقت و درنگ در سیاق و ملاحظه جهت‌گیری آن، در ارایه این نظریه توفیق یافته و به مدد آن نکات ارزشمندی را به مخاطبان قرآن عرضه داشته است. 21

2- تبیین تناسب آیات

سید قطب برای یافتن تناسب در میان برخی از آیات به ظاهر نامتناسب مجاور هم در یک سوره نیز به سیاق متوسل می‌شود و براساس آن انسجام این گونه آیات را می‌نماید. به عنوان مثال او درباره چگونگی تناسب و هماهنگی آیه 6 سوره مائده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»

که در آن از وضو، طهارت، تیمم و نماز سخن به میان آمده با آیات پیش از آن که در آنها سخن از غذاهای پاکیزه و زنان پاکدامن سخن به میان آمده، معتقد است کنار هم قرار گرفتن این آیات امری اتفاقی و صرفاً برای برشمردن احکام مختلف نیست؛ زیرا اگر این گونه باشد این آیه از جو سیاق و

اهداف آن دور خواهد ماند؛ در حالی که این آیه اکنون در سیاق مناسب خود و بر طبق حکم خداوند در نظم قرآن آمده است.

سید قطب بر ای تایید کلام خویش دو دلیل ارایه می دهد:

دلیل اول: این آیه اشاره به نوع دیگری از طبیات، که طبیات مخصوص روح است در کنار طبیات مخصوص جسم (طعام و زنان) اشاره دارد.

دلیل دوم: این آیه اشاره دارد که رعایت احکام طهارت و نماز همچون رعایت احکام طعام و ازدواج، و همچون رعایت احکام صید حلال و حرام، و احکام تعامل با مردم در صلح و جنگ، و همچون همه احکام دیگری که در این سوره به آنها اشاره رفته، «عبادت» خداوند محسوب می شود و التزام به هر یک از آنها بخشی از وظیفه دینی شخص مؤمن به شمار می آید؛ زیرا در دین الهی بین احکام عبادی و احکام معاملات جدایی و انفصالی وجود ندارد.²²

همچنین وی در تبیین چگونگی تناسب قصه فرزندان آدم علیه السلام (هابیل و قابیل) با آیات مابعد آن که در آنها احکام اسلام در حمایت از حیات و جان انسان مطرح شده است، معتقد است: این قصه و الهامات آن به لحاظ سیاق به شکلی استوار با احکام پس از آن، پیوستگی و انسجام دارد؛ لذا خواننده ای که در این سیاق درنگ نماید به وضوح مأموریت این قصه را در این محل درمی یابد و نقش آن را در آماده نمودن عقل و قلب انسان برای درک و پذیرش احکام سخت گیرانه اسلام در مواجهه با جرایم تعدی به جان و حیات انسان، و تعدی بر نظام اجتماعی و تعدی بر مال و دارایی های شخصی افراد حس می کند.²³

3- ترجیح یا پذیرش مفاهیم خاص

مفسر فی ظلال گاه با تکیه بر سیاق، معنا و مقصود خاصی را از کلمات و عبارات قرآن دریافت می کند و احیاناً نکات و حقایق دقیق و لطیفی را از آنها ارایه می دهد؛ این در حالی است که بدون کمک گرفتن از سیاق، دستیابی به چنین مفاهیمی ممکن نیست.

به عنوان مثال سید قطب در تفسیر عبارت: «...و لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...» در میان آیه 228 از سوره بقره که از ظاهر آن «برتری مطلق» مردان بر زنان به نظر می آید، معتقد است که «برتری» موجود در این آیه با توجه به سیاقی که در آن قرار دارد، منحصر به برتری و اولویت مردان در بازگرداندن زنان خویش در دوره عدّه طلاق است و نه برتری مطلق مردان بر زنان در همه زمینه ها چنان که عده ای

گمان می کنند.²⁴

همچنین وی با استناد به سیاق آیات، مراد از «نسخ» را در آیه: «مَا نُنسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...» (بقره/106) ترجیحاً «تغییر قبله» مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه می‌داند. 25.

4- شناسایی آیات مکی و مدنی

تشخیص آیات و سوره‌های مکی و مدنی مستلزم فواید بزرگی است؛ زیرا این شناخت با علل و اسباب نزول آیات قرآن ارتباطی تامّ دارد و مفسّر و فقیه در تعیین جهت گیری آیات و در شناخت ناسخ ازمنسوخ، خاص از عام، مطلق از مقید و... از آن بی نیاز نیست. از این رو عالمان قرآن پژوه برای تعیین و تشخیص آیات مکی و مدنی تلاش بسیار نموده‌اند.

عده‌ای از علماء در تشخیص آیات و سوره‌های مکی و مدنی، تنها به روایات تکیه دارند؛ این در حالی است که میان روایات موجود در این رابطه، تناقض و تعارض وجود دارد. از سوی دیگر، برخی از قرآن پژوهان برای تشخیص مکی یا مدنی آیات، ضوابطی معین کرده‌اند؛ نیز با در نظر گرفتن اسلوب و سیاق آیات به این کار اقدام کرده‌اند. 26.

سید قطب در تشخیص قرآن مکی و مدنی و ردّ و ترجیح دیدگاه‌ها در این رابطه - عموماً - به سیاق آیات استناد می‌کند و بر اساس آن، نظر ترجیحی خود را اعلام می‌کند. به عنوان مثال در پاره‌ای از روایات، از صحابه و تابعین نقل گردیده که آیه:

«هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ... كَلُّوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا...» (أنعام/141) مدنی است؛ سید قطب این نظر را نمی‌پذیرد و معتقد است: سیاق آیات احتمال مدنی بودن آن را ردّ می‌کند؛ زیرا بدون این آیه، سیاق هم به لحاظ معنا و هم به لحاظ عبارت از یکدیگر منقطع می‌گردد؛ چه در این آیه سخن از آفرینش درختان برافراشته است و در آیه بعد نیز از آفرینش چهارپایان برای سوارشدن بر آنها و برای تهیه فرش و لباس از آنها سخن می‌گوید و در ادامه، سیاق از چهار پایانی سخن می‌گوید که پیش از آیه ثمار (أنعام/141) آن را آغاز نموده بود. لذا با وجود این سیاق به هم پیوسته، آنچه موجب شده عده‌ای آیه فوق را مدنی بدانند عبارت «آتوا حقه يوم حصاده» در این آیه می‌باشد؛ زیرا به نظر آنها مقصود از این عبارت، پرداخت زکات معروف و واجب با نصاب‌های مشخص آن است؛ اما چنین برداشتی از این آیه متعین نیست؛ زیرا این گونه زکات در مدینه نازل و واجب گردیده است چنانکه در روایاتی دیگر مقصود از عبارت «آتوا حقه يوم حصاده» پرداخت صدقه و یا دادن طعام به افراد عبورکننده از کنار مزرعه در حال برداشت، یا کمک و اطعام به خویشاوندان دانسته شده است؛ از سوی دیگر، پاره‌ای از روایات بر مکی بودن همه آیات سوره أنعام و نزول یکباره آن اشاره دارند. 27.

وی در ذیل سوره یوسف نیز دیدگاه مصحف امیری²⁸ را که برخی از آیات این سوره از جمله آیه: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَاخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف/7) را مدنی می داند، ردّ می کند و معتقد است سیاق آیات بدون این آیه فرو می ریزد؛ زیرا ممکن نیست سوره یوسف در مکه نازل شده باشد اما این آیه در سیاق آن نباشد؛ به علاوه روایات نیز بر نزول یکباره همه آیات این سوره در مکه اشاره دارند.²⁹

البته استفاده از سیاق نمی تواند مطلق و بدون استثنا باشد بلکه در مواردی ضروری است مفسّر قرآن علاوه بر سیاق از عوامل دیگر دخیل در تفسیر نیز بهره گیرد تا به درک صواب از آیات دست یابد. چنانکه سید قطب با تکیه صرف بر سیاق در پاره ای از موارد از حقیقت دور مانده است! به عنوان مثال وی سوره «انسان» را با وجود دلالت برخی از روایات بر مدنی بودن آن، مکی می داند و این دسته از روایات را با تکیه بر سیاق، غیرقابل قبول و ضعیف می شمارد و در مقابل، آن بخش از روایات را که تمام آیات این سوره را مکی می دانند، می پذیرد.

وی معتقد است از سیاق سوره انسان برمی آید که از آغازین سوره های مکی باشد؛ چنانکه تصویرهای طولانی و مفصلِ نعمت های مادی و حسّی و تصویرهای غلیظ عذاب موجود در آن بیانگر این نکته است؛ همچنانکه سفارش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به بردباری تا فرارسیدن حکم خداوند، و عدم اطاعت از گناه کاران و کافران، تأیید کننده این نظر است؛ زیرا چنین توجیهاتی تنها به هنگام شدت یافتن آزار و اذیت بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و یاران وی در مکه، نازل می شد. به علاوه فرصت دادن به مشرکان و دعوت از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای استوار ماندن بر حق نازل شده بر او و سستی نشان ندادن در برابر مشرکان، باوجود تلاش آنها برای به سستی و تسامح کشاندن آن حضرت، همچنانکه در دیگر سوره های مکی مانند: قلم، مزمل، مدثر و... نیز یافت می شوند، همگی دلالت بر مکی بودن آیات سوره «انسان» و ضعیف بودن احتمال مدنی بودن آن دارند.³⁰

اما این دیدگاه از سوی دیگر مفسّران بزرگ مورد تردید قرار گرفته است؛ زیرا از یک سو دلایل مطروحه از جانب مفسّر فی ظلال جهت اثبات مکی بودن سوره انسان، نقض گردیده³¹ و از دیگر سو، روایات معتبر بسیاری که از طریق شیعه و اهل سنت وارد گردیده بر مدنی بودن همه یا بخشی از آیات سوره انسان دلالت داشته و حادثه مشخص و مشهوری را به عنوان سبب نزول برخی از آیات آن ذکر کرده اند.³² بدین شکل، حتی اگر به دلایلی، مدنی شمردن تمام آیات این سوره پذیرفتنی نباشد، مدنی دانستن بخش نخست آیات آن (به ویژه آیات 5 تا 22) به حقیقت نزدیکتر است.³³

ضرورت توجه به چند نکته هنگام استفاده از سیاق

با توجه به اهمیت درک صحیح و برداشت صواب از آیات قرآن و بر کنار ماندن هر چه بیشتر مفسر از لغزش و انحراف، ضرورت دارد مفسر قرآن هنگام استفاده از سیاق برای فهم آیات آن چند نکته بسیار مهم را در پیش دید خویش قرار دهد.

نکته اول

با ملاحظه شیوه استفاده سید قطب و دیگر مفسران از سیاق، نیز با توجه به چگونگی نزول آیات قرآن و شیوه ترتیب و تنظیم آنها در سوره های قرآن، روشن می‌گردد که سیاق آیات قرآن در هر سوره به دو صورت شکل می‌گیرد:

الف) سیاقی که ناشی از وحدت در نزول و صدور است این نوع از سیاق در اثر وحدت و همزمانی در نزول مجموعه ای از آیات قرآن یا آیات یک سوره صورت می‌بندد؛ چه، آیاتی که با هم و در یک مرحله از جانب حضرت ربوبی صادر شده اند از بیشترین تناسب، آمیختگی و انسجام با یکدیگر برخوردارند؛ لذا مفسر قرآن می‌تواند بر مبنای وحدت آیات در نزول در تفسیر و تبیین آنها از سیاقی که در میان آن مجموعه از آیات شکل می‌گیرد، بهره مند شود و به آن استناد کند. به عنوان مثال مفسر قرآن در سوره هایی چون: أنعام، یوسف و بسیاری از سوره‌های متوسط و کوچک قرآن که اسناد تاریخی بر نزول یکباره آیات آنها دلالت دارند، با سهولت و استواری تمام می‌تواند سیاق این سوره‌های و آیات آنها را مستمسک تبیین و تحدید خاص خود از آیات آن سوره قرار دهد. البته مفسر قرآن به هنگام استفاده از این نوع سیاق، لازم است به یک نکته مهم توجه نماید و آن وجود جمله ها و عبارات اعتراضی در میان عبارات و آیات نازل شده به صورت همزمان است؛ زیرا همانگونه که در شیوه بیانی و کلامی بشر نیز گاه ممکن است در میان یک سخن یکپارچه، بنا به یک ضرورت، 34 سخنی غیر مرتبط با آن سخن یکپارچه اظهار شود، در رابطه با کلام خداوند در قرآن نیز که بر اساس خصایص و ویژگی های زبان عربی نازل شده است به همین صورت است؛ لذا لازم است مفسر قرآن چنین عباراتی را که ممکن است به ندرت در گفتار آسمانی وحی یافت شوند، باز شناسد تا به هنگام تفسیر دچار تکلف و مهمل‌گویی نگردد و در تفسیر آیات قرآن به بیراهه نرود؛ چه، در این موارد معمولاً نمی‌توان سیاق آیات قبل و بعد را به یاری گرفت و بر اساس آن به تفسیر عبارات و آیات اعتراضی پرداخت.

مثال کامل و گویا از این گونه عبارات اعتراضی، آیات 16 تا 19 سوره قیامت است آنجا که می‌فرماید:

«لَا تَحْرُكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ. إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ.»

«زبان را به خاطر عجله برای خواندن آن [=قرآن] حرکت مده، چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! سپس بیان (و توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست!».

به گونه‌ای که با وجود نزول یکباره همه آیات سوره قیامت نمی‌توان این چهار آیه را با سیاق کل سوره، هماهنگ کرد! لذا تلاش‌هایی که از جانب برخی برای هماهنگ و هم سیاق کردن این آیات با دیگر آیات سوره صورت گرفته است مورد توجه قرار نگرفته و از سوی دیگر مفسران طرد شده است. بر همین اساس سید قطب نیز تفسیر معقول و معمولی را از این آیات چهار گانه ارایه داده و به تکلف نگراییده است. 35

ب) سیاقی که ناشی از ترتیب توقیفی آیات قرآن است: علاوه بر همزمانی در نزول که می‌تواند موجب شکل‌گیری سیاق قوی و معتبر - جز در موارد معدود - شود، هرگاه با دلایل متقن ثابت گردد ترتیب و تنظیم مجموعه‌ای از آیات مجاور هم، که به صورت همزمان و یکپارچه نازل نشده‌اند، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صورت گرفته است، این امر نیز می‌تواند موجب تحقق نوعی از سیاق شود که در تعیین و تحدید معنای واژه‌ها و عبارات و آیات قرآن بسیار مؤثر است؛ زیرا، توقیفی بودن ترتیب آیات - در صورت اثبات - در جای پیوستگی نزول آنها قرار می‌گیرد و سیاق معتبر مختص به خود را تحقق می‌بخشد؛ چه، قرار گرفتن آیات و عبارات قرآن در مجاورت یکدیگر، به‌رغم همزمان نبودن آنها در نزول، در صورتی که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انجام گرفته باشد، به صورتی حکیمانه تحقق یافته که وجود تناسب و ارتباط در میان این قبیل آیات و عبارات می‌تواند بیانگر بخشی از این حکمت باشد. 36 همین تناسب و ارتباط است که موجب تحقق نوعی از سیاق می‌گردد که مفسر قرآن به هنگام تفسیر این دسته از آیات می‌تواند از آن بهره‌مند گردد.

این سخن به ویژه آنگاه که با دیدگاه برخی از اندیشمندان قرین گردد که مدعی‌اند:

«نظم و ترتیب فعلی آیات قرآن مطابق با نظم و ترتیب قرآن مکتوب در لوح محفوظ است که تمام آن یکباره بر آسمان چهارم یا آسمان دنیا یا قلب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده است» از استحکام بالاتری برخوردار خواهد بود. 37

به عنوان مثال سوره بقره در بر گیرنده آیاتی است که فاصله نزول بخشی از آنها با برخی دیگر به ده سال هم می‌رسد، زیرا اسناد تاریخی به ما می‌گوید: برخی از آیات این سوره، در آغازین روزهای هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه نازل شده است. از سوی دیگر عده‌ای از عالمان و مفسران قرآن معتقدند آخرین آیه‌ای از قرآن که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل

شده است در این سوره قرار دارد. این در حالی است که باقی مانده آیات این سوره نیز به تدریج در طول این ده سال نازل شده‌اند!

بر این اساس قرار گرفتن این مجموعه متنوع و متکثر از آیات (286 آیه) در کنار یکدیگر در صورتی که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صورت گرفته باشد، بیانگر نوعی از تناسب و هم‌آهنگی در میان آنهاست که کشف آن یاری‌گر مفسر در فهم بهتر آیات است چنانکه برخی از مفسران از جمله سید قطب بر همین مبنا نظریه «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» را مطرح نموده و به تناسب سازی و انسجام بخشی در میان آیات هر یک از سوره‌های قرآن اقدام نموده اند و مقصود آنان از سیاق در سوره‌هایی که آیات آنها یکباره نازل نشده است سیاقی است که از ترتیب توقیفی ناشی شده است. 38.

نکته دوم:

مفسر قرآن در مواردی که چپش توقیفی عبارات و آیاتی از قرآن در کنار یکدیگر به دلایلی مقبول مورد تردید قرار گرفته باشد، نباید با استناد به سیاق به تفسیر آن عبارات و آیات پردازد در غیر این صورت ره به خطا خواهد برد و از مقصود و مقصد وحی به دور خواهد ماند. به عنوان مثال عبارت: «...الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» در میانه آیه 3 از سوره «مائده» و آیه 67 از همان سوره: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَاَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...» دارای چنین وضعیتی هستند؛ و چپش توقیفی آنها در موضع کنونی شان مورد پذیرش قطعی مفسران و عالمان شیعه قرار نگرفته است. 39. لذا این مفسران با رعایت نکته پیش گفته، از تفسیر آیات مذکور بر طبق سیاق آیات قبل و بعد آنها پرهیز نموده و آن دو را بر حسب جریان تاریخی مشهور و مرتبط با آندو تبیین و تأویل نموده‌اند. 40. این در حالی است که مفسران اهل سنت عمدتاً - به عمد یا به خطا- به این نکته توجه نموده و آن دو را متناسب با سیاق قبل و بعد تفسیر و توجیه نموده اند؛ چنانکه سید قطب نیز به عنوان مفسری سنی مذهب از این قاعده مستثنی نیست! 41.

نکته سوم

در مواردی که عبارت، آیه، آیات و یا سوره ای از قرآن مشتمل بر شأن نزول خاصی است، مفسر قرآن نباید صرفاً با استناد به سیاق - به ویژه سیاقی که ناشی از ترتیب توقیفی است- به تفسیر آن اقدام نماید! چه، دخالت دادن اسباب نزول آیات، در مواردی که چنین اسبابی به صورت صحیح گزارش شده باشد، نقش بی بدیلی در تفسیر و تبیین صحیح و استوار آیات دارد چنانکه قالب و

سبک تعبیر آیه به هنگامی که داری سبب نزول است مطابق با آنچه سبب نزول اقتضای آن را دارد شکل می گیرد؛ 42 لذا هیچ مفسری نمی تواند خود را از آن بی نیاز بداند.

دو مثالی که در بالا ذکر گردید (بخشی از آیه 3 و آیه 67 مانده) نمونه های گویا و روشنی در این رابطه می باشند؛ زیرا بر طبق وقایع قطعی و متقن تاریخی این دو آیه به صورت یکباره با آیات و عبارات پس و پیش از خود نازل نگردیده اند؛ همچنانکه به لحاظ موضوعی نیز مناسبت چندانی با آنها ندارند. بلکه ممکن است پس از نزول و توسط صحابه یا به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در موضع کنونی قرار گرفته باشند.

علاوه بر آن دو، عبارت: «...أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» که بخشی از آیه 33 در سوره «احزاب» است نیز بخشهایی از سوره «دهر» که بر طبق روایات و گزارش های معتبر و مشهور تاریخی روایت شده از سوی محدثین شیعه و سنی، 43 دارای اسباب نزول خاص می باشند و جدا از آیات قبل و بعد خود نازل شده اند و پس از آن توسط رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم در محل فعلی قرار گرفته اند، باید با تکیه بر اسباب نزول شان تفسیر و تبیین شوند و نه صرفاً بر طبق سیاقی که در آن قرار گرفته اند.

مفسران اهل سنت در موارد فوق به رغم اطلاع از اسباب نزول این آیات به عمد یا به خطا از دخالت دادن اسباب نزول این آیات در تفسیر آنها خودداری کرده و تنها با نگاه به سیاق و جو عمومی آیات پیرامونی به تفسیر آنها پرداخته اند. لذا نتایجی ضعیف و مخدوش از این دسته از آیات ترسیم نموده اند که جای بسی تاسف است! 44

سید قطب بر طبق آیه 33 سوره احزاب که به گمان وی در رابطه با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است، آن زنان را پاک ترین و پرفضیلت ترین زنان روی زمین دانسته است!!! 45 در حالی که در بخش دیگری از همین آیه و در آیات قبل و بعد از آن در رابطه با این پاک ترین و با فضیلت ترین زنان روی زمین!! لحن تهدید و تکلیف به کار رفته و خداوند آنها را به تکالیف و مسئولیت های شان توجه داده است؛ و در موضعی دیگر 46 از برخورد ناشایست دو تن از این پاک ترین و با فضیلت ترین زنان روی زمین!! با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سخن به میان آمده است! اهل سنت در حالی که این سخنان بی پایه و متکلفانه متمسک می شوند که بر اساس روایات بسیاری، پیامبر اعظم حضرت زهرا علیها السلام را با فضیلت ترین و برترین زنان روی زمین معرفی نموده است. 47

در ارتباط با سوره دهر نیز پیشتر استدلال های مفسر «فی ظلال القرآن» و پاسخ های آن ارائه گردید.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه ذکر شد و با مطالعه و ملاحظه دقیق « فی ظلال القرآن » می توان اذعان نمود: که استفاده از «سیاق» در روش تفسیری سید قطب دارای جلوه آشکاری است و به صورتی گسترده و چشم گیر مورد توجه او بوده است. گرچه وی در استفاده از سیاق از اشتباه و خطا مصون نمانده و در پاره ای موارد دچار لغزش های فاحشی گردیده است (نمونه هایی از آن بیان گردید). بر این اساس گرچه فهم صحیح سیاق و بهره مندی از آن یکی از مقدمات ضروری تفسیر جهت درک صحیح کتاب خداوند است لکن توجه به نکاتی ضروری - مطابق با آنچه ذکر شد - هنگام بهره مندی از سیاق گریز ناپذیر است.

- 1- فرهنگ معین، ذیل واژه سیاق.
- 2 - صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الاصول: الحلقة الأولى، /103
- 3 - بابایی، علی اکبر و...، روش شناسی تفسیر قرآن، /120.
- 4 - مهدوی راد، محمدعلی، آفاق تفسیر، /46. کامران ایزدی مبارکه، شروط و آداب تفسیر و مفسر، /218.
- 5- خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، /43-44.
- 6- «ان شجرة الزقوم. طعام الاثیم. كالمهل یغلی فی البطن. كغلی الحمیم. خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم. ثم صبوا فوِ رأسه من عذاب الحمیم. ذ انك أنت العزیز الكریم. ان هذا ما كنتم به تمترون» (دخان / 43-50)
- 7- زرکشی، البرهان، 201-200/2.
- 8- ر.ک: علی الأوسی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، /208-202. علی اکبر ربیع نتاج؛ نقش سیاق در کشف معانی قرآن از منظر مؤلف المیزان، فصلنامه مطالعات اسلامی (نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی) شماره 1385_72ش، /79-5. مهدوی راد، پیشین، /50
- 9- به عنوان مثال ر.ک: جارالله زمخشری، الکشاف، 489_2/394، ذیل آیه 57 سوره کهف.
- 10- عزة دروزه، محمد، القرآن المجید، /204
- 11- حکیم، سید محمد باقر، تفسیر سوره الحمد، /120.
- 12- در اهمیت «سیاق» در نزد سیدقطب همین بس که این واژه نزدیک به هزار بار در تفسیر فی ظلال القرآن استعمال شده است.
- 13- فی ظلال القرآن، /1/357.
- 14 - همان، 1_358-1/357

15- همان، 1/358-359.

16- ر.ک: همان، 6/ 3373-3374.

17- همان، 4/2257- 2259.

18- همان، 1/28.

19- استطراداً.

20- فی ظلال القرآن، 4/2452 و ر.ک: و...

21 4/2111 1224 3/1223 1160 1080 1072 1053 898 1/881 488 467

445 439 338 266 53 1/45- برای مطالعه موارد دیگر، ر.ک: همان، 3/1515 1242

1151 1027 1025 1022 1020 1018- 2/1016 و 5/3550 5/2918 5/2818

5/2718 4/1846 3/1752 1570 و...

22- همان، 2/849. همچنین برای اطلاع از چگونگی وجود هماهنگی سیاق آیه 238 بقره با سیاق آیات پس و پیش آن، علی رغم غرابت و ناهماهنگی ظاهری میان آنها، ر.ک: 1/238 و ص 257، پاورقی.

23- همان، 2/873 و درباره چگونگی تناسب سیاق آیات «ربا و صدقه»، ر.ک: 1/474.

24- همان، 1/246-247. سید قطب تذکر می دهد که خود او نیز در برخی از نوشته های پیشینش، همچون دیگران مرتکب این درک ناصحیح گردیده و برتری مطلق مردان بر زنان را در همه زمینه ها از این آیه برداشت می نموده است؛ لکن برداشت مفسر فی ظلال از سوی برخی از مفسران رد شده است. ر.ک: تفسیر نمونه، 2/158. و برخی از مفسران برداشت های دیگری از این آیه ارایه نموده اند که به صواب نزدیک تر است. ر.ک: محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، 4/39-43. وهبه الزحیلی، تفسیر المنیر، ج 2/328-330. محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، 4/284.

25- فی ظلال القرآن، 1/101-102. برای رؤیت دیگر موارد، ر.ک: 6/3294 129-130 33- 1/31.

26- ر.ک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان (نوع اول): 1/34-59. سید محمدباقر حکیم، علوم القرآن، 76-97/ محمد عزه دروزه، القرآن المجید، 124-126/.

27- فی ظلال القرآن، 2/1021.

28- این مصحف در سال 1342 هجری به دستور حکومت مصر و به سرپرستی مشایخ الأزهر بر طبق قواعد املائی به نگارش در آمد و با اقبال عام مواجه گردید. ر.ک: محمد طاهر الکردی، تاریخ القرآن الکریم، 151/

- 29- فی ظلال القرآن، 4/1950. همچنین ر.ک: 4/2153 پاورقی.
- 30- همان، 6/3777.
- 31- ر.ک: طباطبایی، محمد حسین، المیزان، پیشین، 136-20/135.
- 32- ر.ک: فخر رازی، مفاتیح الغیب، جزء 30، ص 750. زمخشری، الکشاف، ج 2/511. بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، 5/427. سیوطی، الدر المنثور، 6/299. اسماعیل حقی بروسوی، روح البیان، 10/268. محمد علی شوکانی، فتح القدير، 5/349. ابواللیث السمرقندی، بحر العلوم، 3/525. و... قرطبی و شوکانی نوشته‌اند: جمهور نظر بر مدنی بودن این سوره دارند. ر.ک: الجامع لاحکام القرآن، 19/1118. فتح القدير، 5/343. برای رؤیت همه این روایات ر.ک: عبد الحسین امینی، الغدير، 3/106-111. نیز مفسر المیزان بسیاری از این روایات را ذکر کرده و به تحلیل و توجیه آنها پرداخته است. ر.ک: المیزان، 20/131-136. و ر.ک: سید محمد باقر حجتی، اسباب النزول، 30-41/30-41.
- 33- چنانکه مؤلف المیزان با ارایه دلایلی چند این نظر را تقویت نموده است. ر.ک: المیزان، پیشین.
- 34- جمله معترضه یا «حشو» جمله‌ای است خارج از اصل موضوع که برای توضیح و تبیین یا دعا و نفرین و جز آن در میان جمله اصلی در آید. (لغتنامه دهخدا)
- 35- ر.ک: فی ظلال القرآن، 6/3767 و 3770. مؤلف المیزان عبارت: «الیوم یئس اللذین کفروا من دینکم... و رضیت لکم الاسلام دیناً» را در آیه 3 از سوره مائده و عبارت «... انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» را در آیه 33 از سوره احزاب، معترضه می‌داند. ر.ک: المیزان، 5/168 و 16/32.
- 36- چنانکه مؤلف «التمهید» می‌گوید: به ناچار مجموعه آیاتی که به ارشاد و هدایت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و نه به دلیل نزول یکباره در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، از مناسبتی حکیمانه برخوردارند. محمد هادی معرفت، التمهید، 1/28.
- 37- سیوطی، الاتقان، (نوع 1/117-124)_ (16).
- 38- هر چند آنان به این مطلب اشاره ننموده باشند.
- 39- به عنوان مثال ر.ک: المیزان، 5/168.
- 40- برای رؤیت منابع و مصادر این روایات، بنگرید: علامه امینی، الغدير، ج 1/230 به بعد.
- 41- ر.ک: فی ظلال القرآن، 842-2/841 و 937-938. این در حالی است که وی به نزول جداگانه و مستقل این عبارت قرآنی در «حجّة الوداع» معترف است و حتی آن را آخرین آیه نازل شده می‌داند و از قرار گرفتن آن در این محل، اظهار تعجب و شگفتی می‌کند! به همین دلیل آن را در قالب جامعیت دین اسلام توجیه نموده و تلاش دارد مفهوم آن را به جانب مباحث اجتماعی و سیاسی و بحث حکومت و دولت سوق دهد که چنین تفسیری بیانگر ممتاز و مستقل بودن مفهوم

این عبارت نسبت به عبارات قبل و بعد از آن است). ر.ک: فی ظلال القرآن، 842- (2/841) این مفهوم ممتاز همان پیام رسای «ولایت و امامت» است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در حجة الوداع، در هجدهم ذی الحجه سال دهم از هجرت به امر خداوند آن را ابلاغ نمود و از صحابه و یاران خویش برای آن بیعت گرفت! چنانکه از حاضران طلب نمود تا آن را به گوش غایبان برسانند! بر طبق گزارش های تاریخ نخستین فردی که بر پذیرش این امر بیعت نمود و مقام امامت و ولایت را به علی بن ابیطالب علیه السلام تبریک و تهنیت گفت، عمر بن الخطاب بود. ر.ک: یحیی بن الحسن الاسدی (ابن بطریق)، العمدة، 344/ همو، خصایص وحی المبین، 153/ علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، 1/238 و... (اما در ادامه قدرت طلبی، غلبه هوای نفس، پشت کردن به دستورات خداوند، عدم اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، میدان داری شیطان برای منحرف کردن امت اسلام از مسیر هدایت، سعادت و بندگی خداوند، و حسادت و کینه ورزی دست به دست هم داد و «امامت» را که از مهمترین لوازم کمال دین به شمار می رفت از میان برداشت.

42- حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، 39/

43- در رابطه با سبب نزول آیه 33 از سوره احزاب در منابع اهل سنت ر.ک: ترمذی، سنن الترمذی، 31-5/30. ابن ابی شیبه، المصنّف، 7/501. اسحاق بن ابراهیم راهویه، مسند ابن راهویه، 3/678. نسایی، السنن الکبری، 5/108. طبری، جامع البیان، 12-9/22. علی بن احمد نیشابوری، أسباب النزول، 239/ و...

44- پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به گونه ای شگفت و هوشمندانه بر آن بود مصداق «اهل البيت» را در آیه 33 از سوره احزاب روشن کند؛ لذا همانگونه که محدثان و مورخان آورده اند آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم پس از نزول عبارت: «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» به مدت شش ماه یا بیشتر هنگام حرکت به سوی مسجد برای اقامه نماز بر در خانه فاطمه علیها السلام می ایستاد و صدایش را فراز می آورد و می فرمود: «الصلاة اهل البيت! انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس...» ر.ک: طبری، جامع البیان، 9/22. ابن ابی الفتح الاربلی، کشف الغمه، 1/45. احمد بن علی المقریزی، فضل آل البيت عليهم السلام، 23. دکتر بیومی مهران، السیده فاطمه الزهراء، 30 و... گواینکه مفسران متمایل به امویان کوشیده و می کوشند این حقیقت را مکتوم دارند. ر.ک: هیشمی، مجمع الزواید، 9/121 و..

45- ر.ک: فی ظلال القرآن، 5/2858.

46- سورة التحريم / 3-53

47- ر.ك: ابن حجر العسقلاني، فتح الباری، 9/266. ابن ابی شیبہ، المصنف، 7/527. ابن أبی
الحديد، شرح نهج البلاغه، 10/265. وی این دسته از اخبار را متواتر می داند. متقی هندی، کنز
العمال، 2/110. سیوطی، الدر المنثور، 2/23. ابن أثير، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج 4/16 و...